

فتنه‌های اجتماعی و راهکارهای برون‌رفت از آن با تأکید بر روایات نبوی

رضا مهدیان‌فر*

تأیید: ۹۵/۱/۱۶

دریافت: ۹۴/۶/۱۸

چکیده

فتنه در حوزه اجتماعی به معنای اضطراب، اختلاف و دودستگی، درگیری و کشتار می‌باشد. به فرموده قرآن کریم، فتنه از قتل هم شدیدتر و بزرگ‌تر است. برپایه آیات و روایات، جهان اسلام فتنه‌هایی را تجربه خواهد کرد که خدای سبحان و رسولش راه‌های برون‌رفت از آن را نیز یادآور شده‌اند. از این رو، با نگاه تاریخی به موضوع فتنه، ریشه فتنه‌های اجتماعی را می‌توان نزاع بر سر حکومت و جانشینی رسول خدا ﷺ دانست که آیات و روایات، نسبت به پی‌آمدهای ناگوار آن هشدار داده‌اند. برای برون‌رفت از این فتنه‌ها گریزی از بازگشت به قرآن و عترت نیست. اقتدار حاکم اسلامی، شناخت ظرفیت‌های جامعه اسلامی به منظور رویارویی با فتنه همچون علما، رؤسای عشایر، سازمان‌های مردم‌نهاد و مانند اینها، روشن‌گری علما، بصیرت و روشن‌بینی نسبت به توطئه‌های دشمن و آگاهی صحیح از اعتقادات و اندیشه‌های سایر فرق اسلامی از راه‌کارهایی هستند که با هدف رویارویی و برون‌رفت از فتنه‌ها با تدبیر در آیات و روایات فریقین با رویکرد توصیفی - استنباطی و به روش کتابخانه‌ای در پژوهش حاضر بدان دست یافتیم.

واژگان کلیدی

فتنه‌های اجتماعی، فتنه در قرآن، فتنه در روایات، ریشه‌های فتنه

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: Rezamahtab52@yahoo.com

مقدمه

آیات و روایات اسلامی، فتنه را در دو گستره فردی و اجتماعی مورد توجه قرار داده و در رابطه با پی‌آمدهای ناگوار آن به مسلمانان هشدار داده‌اند. به روایت قرآن کریم، فتنه از قتل هم شدیدتر و بزرگ‌تر است (بقره (۲): ۱۹۱ و ۲۱۷)؛ زیرا قتل و کشتار، خود از نتایج فتنه است که البته درخور توجه ویژه است. بروز فتنه در جوامع دینی، مجال فزون‌تری می‌یابد؛ چون زمینه هم‌آوردی حق و باطل و نیز ترکیب این دو با هم از سوی جاهلان و سودجویان در این جوامع فراهم می‌شود. لذا فتنه در فضایی شکل می‌گیرد که گروهی حق را به باطل آمیخته و به دنبال هوای خویش، گمراهی افکار عمومی را سبب می‌شوند؛ چنانکه رخدادهای پس از رحلت رسول خدا ﷺ گواه این ادعاست. روشن است در تاریکی فتنه‌ها، گاه تشخیص حق از باطل چنان دشوار می‌نماید که نخبگان را نیز در تاریکی خود فروبرده و رهایی از آن را تا به مرز محال می‌رساند و رهاورد آن فرسایش جامعه اسلامی و سلب آرامش و آسایش از مسلمانان خواهد بود. از این‌رو، تلاش در پرهیز از غلطیدن جامعه به دامن فتنه‌ها بسی آسان‌تر از نجات جامعه فرورفته در فتنه‌ها خواهد بود. اما از آنجا که برپایه روایات و بنا به دلیل پیش‌گفته، در جامعه اسلامی امکان وقوع فتنه‌ها، بسیار محتمل است، پی‌جویی راه‌های برون‌رفت از آن بسی ضروری است؛ زیرا تداوم فتنه، فروگاهی قدرت و شوکت مسلمین را به دنبال داشته و جامعه را با بحران‌ها و انحطاط روبه‌رو می‌نماید و روح امید و مجال تلاش را از جامعه باز می‌ستاند. امیر مؤمنان 7 تداوم فتنه را از بزرگ‌ترین محنت‌ها می‌داند (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۴). بر این اساس، اصل وجود و وقوع فتنه در میان مسلمانان قابل پیش‌بینی است،^۱ ولی با هم‌اندیشی و بازنگری دور از تعصب مذهبی و سوگیری قومیتی، می‌توان جامعه اسلامی را از آسیب‌های فتنه در امان نگه داشت یا از وقوع آن پیشگیری کرد. برای مهار فتنه، به فهم درست و واقع‌گرایانه از فتنه نیاز است و گام نخست در این مسیر، تعیین اصول راهنما است. بازخوانی آیات و روایات فتنه، دوری‌جستن از تعصبات قومی و مذهبی، تبادل اندیشه، ارتباط علمی

دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام، روشن‌بینی و درک درست از رخدادها و عوامل پشت پرده، هوشیاری نسبت به آسیب‌های فتنه و شناسایی ظرفیت‌های جهان اسلام برای مقابله با آن از جمله این اصول هستند. این اصول می‌توانند به مهار فتنه و کاهش آسیب‌های آن کمک جدی کنند. واکاوی روایات آخرالزمان و ملاحم و فتن برای بازشناسی فتنه‌ها، مجال فزون‌تری می‌طلبد. شایسته است دانشمندان و پژوهش‌گران جهان اسلام در این خصوص که نیاز نخست جامعه اسلامی است، کوشش بیشتری داشته باشند. این نوشتار به وسع مقاله‌ای مختصر با واکاوی حقیقت فتنه در آیات و روایات و ریشه‌یابی آن در کلام وحی و گفتار غیبی نبوی و تأمل در زوایای پنهان گفتار مفسران و حدیث‌شناسان جهان اسلام به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که حقیقت فتنه چیست و راه‌های رهایی از تنگناهای فتنه کدام است.

از این رو، با بازشناسی ریشه‌های فتنه از رهگذر آیات و روایات و حوادث تاریخی جهان اسلام به راهکارهای برون‌رفت از فتنه‌ها دست خواهیم یافت که امروزه دامنگیر جامعه اسلامی شده و فروگاهی شوکت و قدرت مسلمانان و تقویت جبهه استکبار و دشمنان جامعه اسلامی را به دنبال داشته است. بدین منظور، ناگزیر از بررسی توصیفی - تحلیلی ریشه‌های فتنه در جامعه اسلامی خواهیم بود. فتنه در طول تاریخ اسلام مورد توجه و پژوهش اندیشمندان و دانشمندان بسیاری بوده است. پس از هشدار خدا و رسولش به این آسیب اجتماعی در قرون اولیه، ابتدا حدیث‌پژوهان به موضوع فتنه توجه ویژه‌ای داشته و بابی در کتب حدیثی با نام «کتاب الفتن» را به این موضوع مهم اختصاص داده‌اند. همزمان با آن و پس از آن، کتاب‌های مستقلی از سوی دانشمندان اسلامی؛ مانند «الفتنه و وقعة الجمل»، «سیف‌بن‌عمر» (متوفای ۲۰۰ق)، «کتاب الفتن»، «نعیم‌بن‌حماد» (متوفای ۲۸۸ق)، «الملاحم و الفتن»، «سیدبن طاووس» (متوفای ۶۶۴ق) و در عصر حاضر، کتاب‌هایی، مانند «معالم الفتن»، «سعید ایوب»، «فتنة التكفير»، «محمدناصرالدین آل‌بانی» به رشته نگارش در آمد. در این میان می‌توان به «فتنه از نگاه قرآن و سنت» نوشته «علی اصغر یساقی» اشاره کرد که نسبت به سایر پژوهش‌ها در این حوزه از نوآوری برخوردار بوده و افزون بر معناکردن واژه فتنه از نگاه واژه‌پژوهان و

مفسران فریقین، به فتنه بنی‌امیه، ویژگی‌ها و خاستگاه‌های فتنه نیز اشاره داشته‌اند. واکاوی حقیقت فتنه و ریشه‌ها و راهکارهای برون‌رفت از تنگنای فتنه‌ها با نگاهی ویژه^۲ از وجوه تمایز این پژوهش با تحقیقات همسان است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای با استناد به آیات و روایات به ویژه روایات اهل سنت، به منظور روشن‌ساختن زوایای فراموش‌شده در آیات و روایات، به این مهم پرداخته است. در این رویکرد، با وانهادن جهت‌گیری‌های مذهبی و قومیتی بازشناسی ریشه‌ها و از رهگذر آن، راه‌های رهایی از تنگنای فتنه روشن خواهد شد. واداشتن دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام به بازنگری در آیات و روایات مربوط به فتنه و بازشناسی حقیقت و موارد فتنه از اهداف عمده این نوشتار است؛ زیرا به رغم وجود خاستگاه‌های فتنه در جوامع اسلامی، منابع دینی مسلمانان، سرشار از علوم و حیانی و اخبار غیبی رسول خدا ﷺ است که بازگشت به آنها و بازشناسی به دور از سوگیری و پیش‌داوری، به آسانی امت طوفان‌زده را به ساحل امن خواهد رساند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه جامعه اسلامی با فتنه‌هایی روبه‌روست که هر روز با گسترش دامنه خود به یکی از کشورهای اسلامی، پی‌آمدهای زیان‌باری را بجا می‌گذارد. چاره‌اندیشی برای مهار فتنه‌ها، مانع از پیشرفت آنها و بازگرداندن روح امید به جامعه خسته از فتنه‌هاست. کشتار توحش‌گونه مسلمانان در سوریه، عراق، یمن و به صورت پراکنده در سایر کشورهای اسلامی از سوی گروه‌هایی که با نقاب دین هر روز در حال گسترش هستند، باید هر مسلمان آزاداندیشی را به دور از هرگونه تعصب مذهبی یا قومی به چاره‌اندیشی وادارد. اهمیت این پژوهش زمانی بیشتر رخ می‌نماید که بدانیم افزون بر عوامل درونی جامعه اسلامی، دشمنان اسلام، بازیگران پشت پرده این فتنه‌ها هستند. آنان از این رهگذر، بدون این که هزینه‌ای برای مبارزه با مسلمانان بپردازند، به دست خود مسلمانان سبب از میان رفتن قدرت جهان اسلام می‌شوند. قرآن کریم از پی‌آمدهای فتنه، این چنین یاد می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶-۴۵)؛ ای اهل ایمان... با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت‌تان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. امیر مؤمنان علی ۷ می‌فرماید: «به جان خودم سوگند در آتش فتنه، مؤمن هلاک می‌شود و غیر مسلمان سالم می‌ماند» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۴). استکبار و صهیونیزم جهانی در این میان با ایجاد فتنه در جهان اسلام، به دنبال انحراف افکار عمومی مسلمانان از مسأله فلسطین و تأمین امنیت رژیم اشغالگر صهیونیست هستند. مبارزه با گروه‌های افراطی و تکفیری و مصروف‌داشتن توان جامعه اسلامی به برخورد فیزیکی با گروه‌های فتنه‌انگیز و غافل‌شدن از ریشه‌های فتنه، در واقع مبارزه با شاخ و برگ و فراموش کردن ریشه فتنه است. شکی نیست که این راهکار لازم است، اما کافی نیست؛ چون با وجود ریشه‌های فتنه و با حذف این گروه، گروه دیگری جایگزین خواهد شد. از این رو، اندیشیدن به راهکارهای رهایی از تنگناهای فتنه با عنایت به ریشه فتنه بسیار راهگشا خواهد بود. تدبر در آیات و روایات نیز ما را به این مهم رهنمون می‌نماید؛ زیرا در آیات و روایات، بدون نام‌بردن از افراد و گروه‌ها، به ریشه‌ها و ویژگی‌ها توجه ویژه‌ای شده است تا جامعه اسلامی در افراد و گروه‌ها محدود نشده و با ریشه‌ها آشنا شوند و فتنه را از ریشه خشک کنند.

مفهوم‌شناسی فتنه

فتنه در لغت از ریشه «فتن» به معنای ذوب‌کردن طلا و نقره در آتش به منظور جداکردن خوب و بد آن است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۱۷). ولی واژه‌پژوهان افزون بر این، معانی گوناگونی برای این واژه نوشته‌اند که آزمایش، ابتلا، عذاب، قتل، جنگ و کشتار، سوزاندن با آتش و... از جمله این معانی هستند (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۲۸-۱۲۷). البته معنای آزمون در این واژه معمولاً با سختی و تلخی همراه است. «ابن منظور» در ادامه می‌گوید:

«الفتنة ما يقع بين الناس من القتال [الحروب]» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۱۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۲۸). ابن منظور در ادامه، روایت نبوی را در همین راستا

معنا می‌کند:

و اما قول النبی ﷺ: «انی اری الفتن خلال بیوتکم. فانه یکون القتل و الحروب و الاختلاف الذی یکون بین المسلمین اذا تحزبوا» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۱۹)؛ به طور قطع فتنه‌ها را در میان خانه‌های شما می‌بینم. این فتنه‌ها کشتار و جنگ و اختلاف میان مسلمانان است، هنگامی که گروه گروه می‌شوند.

برخی از مفسران و واژه‌پژوهان معاصر، در معنای فتنه می‌نویسند: «آنچه موجب اختلال و اضطراب گردد، «فتنه» نامیده می‌شود که دارای مصادیقی است؛ همانند اموال، اولاد، اختلاف در دیدگاه، عذاب و...» (ابن عاشور، بی تا، ج ۹، ص ۷۱؛ مصطفوی، ۱۳۷۴، ص ۲۴).

به نظر می‌رسد این معنا به دلیل شمول آن نسبت به سایر معانی و این که گفته شده بعضی از معانی، معنای اصلی واژه نبوده و از لوازم معنای اصلی هستند، از استواری بیشتری برخوردار است.

اما در اصطلاح علوم، «فتنه» در حوزه علوم سیاسی می‌گنجد که معادل sedition به مفهوم تحریص آشکار اهالی کشور (از طریق سخنرانی، نشریات چاپی، وسایل سمعی و بصری و عمل) به منظور برهم‌زدن اساس حکومت یا شیوه‌های غیر قانونی و اعمال خشونت برای تغییر حکومت است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۶، ص ۶۱۳). اما واقعیت این است که این واژه به گونه‌ای جدی وارد ادبیات علوم سیاسی نشده و بیشتر، ریشه در فرهنگ واژگان سیاسی دینی دارد. تأمل در کاربردهای این واژه در فرهنگ آیات و روایات، ما را به این حقیقت می‌رساند که فتنه در اصطلاح دینی به معنای گوناگونی هم‌سان با معانی لغوی به کار رفته است که فتنه اجتماعی به معنای ایجاد آشوب و نابسامان کردن جامعه است؛ به گونه‌ای که حق با باطل مشتبه شود و مغرضین بتوانند فکر و راه خود را به عنوان حق با باطل بی‌آمیزند سازند و یا تلاش نمایند فکر و راه خود را به عنوان حق به جامعه بقبولانند؛ چنانکه گفته‌اند: «فتنه در اصطلاح، به حوادث پیچیده‌ای می‌گویند که ماهیت آن روشن نیست و ظاهری فریبنده

دارد و باطنی مملو از فساد که جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهی، عداوت، دشمنی، جنگ، خونریزی و فساد در اموال و اعراض می‌کشاند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸). در این پژوهش، به دنبال معنایی از این واژه هستیم که به آشوب‌ها و درگیری‌های اجتماعی اشاره دارد؛ چنانکه در روایات اسلامی، از این مفهوم با عناوینی چون «الملاحم و الفتن» یاد شده است.

فتنه از نگاه قرآن

در موارد گوناگونی از آیات، به فتنه اشاره و نسبت به آن هشدار داده شده است. در قرآن کریم، این واژه افزون بر معنای امتحان و آزمودن (عنکبوت (۲۹):۲)، برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق (مائده (۵):۴۹)، شرک و کفر (بقره (۲):۱۹۳)، افتادن در معاصی و نفاق (حدید (۵۷):۱۴)، اشتباه‌گرفتن و تشخیص‌ندادن حق از باطل (انفال (۸):۷۳)، گمراهی (مائده (۵):۴۱)، کشتار و اسارت (نساء (۴):۱۰۱)، تفرقه و اختلاف میان مردم (توبه (۹):۴۷) و... به کار رفته است.^۳ بعضی از این معانی به فتنه فردی و شماری به مفهوم اجتماعی آن اشاره دارند.

فتنه در جهان اسلام

نخستین بار خدای سبحان از وقوع فتنه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی خبر داده و با هشدار نسبت به پی‌آمدهای آن از فروافتادن در آتش فتنه‌ها تحذیر داده است «وَأْتَقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال (۸):۲۵). آیه شریفه از فتنه‌ای فراگیر زنده‌ساز می‌دهد که نه از جانب کفار و مشرکان که از درون جامعه اسلامی برخاسته، دامنه آتش‌افروزی به ستم‌پیشگان از جامعه اسلامی محدود نبوده و عموم مسلمانان را گرفتار خواهد کرد. تدبیر در شریفه مذکور ما را به این نکته رهنمون می‌کند که ظلم ستمگران، سرآغاز فتنه بوده و کوتاهی سایر امت در نهی ظالمان، فراگیری آن را سبب خواهد شد. شماری از مفسران، فتنه در آیه را به گمراهی، اختلاف و تفرقه و ظهور بدعت‌ها و کشمکش و رویارویی گروهی از مردم با گروه دیگر تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۸۷؛ ابن ابی حاتم،

۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۶۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۵؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۹، ص ۷۱) و به طور مشخص می توان گفت مقصود از فتنه در آیه یادشده اختلاف امت در موضوع حکومت است که به عموم امت مربوط می شود، ولی شماری از مسلمانان، به ناحق و از روی ظلم، زمام امور را به دست گرفته و احکام قطعی کتاب و سنت درباره حکومت را پایمال کرده اند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۵۱). در چنین وضعیتی همه مسلمانان وظیفه دارند تا ظالمان را نهی کنند و در صورت سهل انگاری به دام فتنه ای پرشمول و سخت خواهند افتاد. بر این اساس، جهان اسلام فتنه هایی را تجربه خواهد کرد که پس از رحلت رسول خدا ﷺ دامن جامعه اسلامی را فرا خواهد گرفت. رسول خدا ﷺ می فرماید:

از پروردگرم سه مطلب خواستم که دو تای آن را برآورده ساخت و سومی را از من بازداشت. از پروردگرم خواستم تا اتم را به قحطی هلاک نکند [در بعضی نقل ها به سنت هلاک اقوام پیشین هلاک نکند]، این خواسته را برآورد. از او خواستم تا دشمنی از غیر آنان از مشرکان را بر آنان مسلط نکند [در بعضی نقل ها آنان را بر اثر غرور و فریب هلاک نکند و در روایتی آنان را با غرق شدن هلاک نکند]، این خواسته را نیز پذیرفت. از او خواستم که خشم آنان را متوجه خودشان نسازد [در بعضی نقل ها آنان را متفرق و گروه گروه نسازد]، اما این خواسته را از من بازداشت (مسلم، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۱-۱۷۰؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۲؛ هیشمی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۲۲۲-۲۲۱). «عمر و بن ابی عاصم» طرق مختلف حدیث را آورده و جز یک طریق، سایر طرق را صحیح دانسته است (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۶). برابر این روایت و روایات فراوانی که از فراگیری فتنه ها در جامعه اسلامی خبر داده اند، جهان اسلام ناگزیر از رویارویی با فتنه خواهد بود (همان، ص ۱۲۶-۱۲۵). این گفتارهای غیبی، هشدار است به عموم جامعه اسلامی به ویژه اندیشمندان و فرهیختگان تا در برابر فتنه چاره جویی کنند و کشتی امت را به ساحل نجات رهنمون سازند.

حقیقت فتنه

بازشناسی حقیقت فتنه ای که خدا و رسولش و جانشینان به حق رسول خدا از وقوع

آن زنهار داده‌اند، در جستن راهکار برون‌رفت از فتنه‌ها بسیار ضروری است؛ زیرا فتنه‌گران، فضا را برای افکار عمومی مسلمانان تاریک نموده و از جهل و بی‌خبری آنان به سود خویش بهره‌جسته و کار خویش را کاملاً مشروع جلوه داده و بلکه بر وجوب آن پا می‌فشارند. مفسران، محدثان و شارحان حدیث اهل سنت، غالباً به معناکردن واژگانی فتنه بسنده کرده و از بیان مصادیق آن خودداری کرده‌اند و شماری از آنان نیز با تطبیق آیه ۲۵ سوره انفال که بارزترین آیه در هشدار نسبت به فتنه اجتماعی است، بر مواردی چون اصحاب بدر، جنگ‌های جمل، صفین، نهروان، قتل عثمان و حادثه عاشورا و ... اکتفاء کرده‌اند. اما برخی با ژرف‌نگری در سیاق آیات، فتنه را به ظهور بدعت‌ها، اضطراب و اختلال در نظام اجتماعی، احزاب سیاسی و مذهبی، جنگ قدرت و نزاع بر سر حکومت، به دلیل نافرمانی از دستورات خدا و رسول معنا کرده‌اند (مراغی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۲۹۲؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۱۸؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۹، ص ۷۱).

با تأمل در آنچه اهل سنت در ذیل این آیه و آیه ۶۳ سوره نور «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» نقل کرده‌اند، به آسانی می‌توان حقیقت فتنه و بازه زمانی آن را یافت و به ریشه‌های فتنه در جهان اسلام آگاه شد. بازشناسی مخاطبان آیه، زمان وقوع فتنه در گفتار صحابه، مقصود از ظلم و ظالمان و گناهانی که پی‌آمدهای فراگیر آن شایسته زنهار الهی است، کوشش‌های ما در تفسیر آیه را قرین توفیق خواهد ساخت.

«قرطبی» از «ابن عباس» نقل کرده است که آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال(۸): ۲۵)، درباره اصحاب پیامبر ﷺ نازل شده است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۹۱). بر پایه این نقل، شریفه مذکور به اصحاب هشدار می‌دهد تا از فتنه‌ای که دامن‌گیر همگان خواهد شد، اجتناب کنند. روشن است مصداق آیه، اعم از ظالم و غیر ظالم نیز اصحاب پیامبر خواهند بود. «قتاده» گفته است: «هنگامی که آیه ۲۵ سوره انفال نازل شد، به خدا قسم خردمندان اصحاب محمد ﷺ دریافتند به زودی فتنه‌هایی برپا خواهد شد» (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۳، ص ۱۷۷). تحذیر صحابه به

مفهوم این است که خود، شاهد چنین فتنه‌ای خواهند بود؛ چنانکه عقلای ایشان نیز دریافتند. اما برخی از مفسران اهل سنت کوشیده‌اند تا مقصود آیه را به فراگیری گناهان در جامعه تفسیر کنند که این تفسیر با مقصود آیه همخوانی ندارد. روشن است هر گناهی چنین پی‌آمدی ندارد که آثار بد آن به همه افراد جامعه تسری کند و خدای سبحان نسبت به فراگیری آن هشدار دهد. بنابراین، باید گناه ویژه‌ای باشد که آیه شریفه این‌گونه از آن پرهیز می‌دهد. تدبر در خود آیه ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اولاً: مقصود از آن، ظلم است و ثانیاً: این ظلم از سوی عده خاصی از مخاطبان آیه سر خواهد زد (ابوزهره، بی تا، ج ۶، ص ۳۱۰۰). البته آن هم نه هر ظلمی، بلکه ظلمی که پی‌آمدهای آن، دامن عموم افراد جامعه را فراخواهد گرفت. ناگزیر چنین ظلمی باید از قبیل چیرگی و تسلط بر حکومت حقه اسلامی و تلاش برای پایمال نمودن و از بین بردن احکام قطعی کتاب و سنت باشد که درباره حکومت حقه بیان گردیده است و هر چه باشد، در فتنه‌هایی که در صدر اسلام روی داده مواردی وجود دارد که آیه کاملاً و به روشنی بر آنها منطبق است؛ زیرا وحدت دینی به وسیله این فتنه‌ها از بین رفت و تفرقه و اختلاف آشکار شد و شوکت و قدرت اسلام به سبب کشتار، اسارت‌ها، غارت‌ها و هتک حرمت‌ها و ... درهم شکست و کتاب خدا مهجور و سنت پیامبر متروک ماند و از جمله مفاسد شوم این فتنه آن است که مردم پس از آن که از آن آگاهی یافته و متنبه شدند، به سبب کردار ناشایست خویش و کوتاهی در فرمان خدا توان خروج از عذاب دردناکی را که فتنه به بار آورده ندارند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۵۲)؛ چنانکه تأمل در سیاق آیات نیز ما را در بازیابی این معنا کمک می‌کند. در آیه پیشین، سخن از اجابت دعوت خدا و رسول است که مایه حیات است و در آیات بعدی از نعمت یاری مهاجران و پناه‌دادن و امنیت‌بخشی به آنان سخن به میان آمده است. سپس مؤمنان را از خیانت به خدا و رسول و امانت‌های خویش پرهیز می‌دهد. «ابن عاشور» در تفسیر آیه می‌گوید:

اگر مسلمانان در فرمانبرداری از دستور خدا و رسولش یک‌پارچه و متحد نباشند، میان آنان اختلاف خواهد افتاد و وضعیت‌شان را به پریشانی و

اضطراب خواهد کشاند و نظام جامعه‌شان به سبب اختلاف در دیدگاه‌ها و نظریات، از هم خواهد گسست و این چیزی است که با لفظ «فتنه» از آن تعبیر شده است و حاصل معنای فتنه به پریشانی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و اختلال در حرکت و بروز بیم و هراس و پرهیز و گریز در جان مردم باز می‌گردد (ابن عاشور، همان، ج ۹، ص ۷۱).

بر این اساس، فتنه ظالمان نتیجه محتوم نافرمانی خدا و رسول در یک امر بسیار مهمی است که مفاسدش به لایه‌های گوناگون جامعه سرایت خواهد نمود. «مراغی» در تفسیر فتنه می‌نویسد: «مانند فتنه‌های قومیتی که در میان امت‌ها در نزاع بر سر مصالح عمومی چون فرمانروایی، حکومت، تفرقه در دین و شریعت و انقسام به احزاب سیاسی و دینی و مانند این‌ها از ظهور بدعت‌ها و ... رخ می‌نماید، تحذیر می‌دهد». سپس در ادامه ضمن برشمردن فتنه‌هایی که در جهان اسلام پدید آمدند، می‌گوید:

بزرگ‌ترین فتنه، فتنه خلافت و فرمانروایی و فتنه آراء و مذاهب دینی و سیاسی بود که در قرن اول هجری در میان مسلمانان پایه‌گذاری شد و در نسل‌های بعدی با امتزاج فتنه مذاهب با فتنه سیاسی بر سر خلافت و حکمرانی تداوم یافت (مراغی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۹۰-۱۸۸؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۱۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۲۹۲). اختلاف کلمه، شدیدترین ظلم است به ویژه از بزرگانی مثل اینها [صحابه] [آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۸۲]. این معنا در کنار روایاتی از رسول خدا ﷺ روشن‌تر می‌شود. رسول خدا به «حذیفه» فرمود: «من پیش از شما به حوض [کوثر] وارد می‌شوم و با اقوامی منازعه می‌کنم و بر آنان غالب می‌شوم. آنگاه می‌گویم پرودگارا! اصحابم؟ گفته می‌شود نمی‌دانی پس از تو چه کردند؟» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۶۰۲؛ حنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۴). «بخاری» نیز از بزرگانی؛ چون «ابن عباس»، «ابوسعید خدری» و «انس» همین مضمون را نقل می‌کند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۹۲-۱۹۱ و ۲۴۰؛ ج ۷، ص ۱۹۵ و ۲۰۸-۲۰۶؛ ج ۸، ص ۸۷)؛ چنانکه «مسلم» نیز از «ابوهریره»، «عایشه»، «ام سلمه»، «عبدالله» (ابن مسعود یا ابن عباس)، «انس بن مالک»، همین معنا را نقل کرده است (مسلم، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ج ۷، ص ۷۰-۶۷ و ۷۱-۶۸؛ ج ۸، ص ۱۵۷). مقصود از

«ما احدثوا بعدك»؛ پس از تو چه کردند. در این روایت، نمی‌تواند گناه عادی که ممکن است از هر انسان غیر معصومی سر بزند باشد. بنابراین، از پاسخ به دست می‌آید که باید گناه بزرگی، چون مسأله خلافت و بدعت و مانند اینها باشد؛ چنانکه بخاری افزون بر باب‌های دیگر در «کتاب الفتن» پس از ذکر آیه شریفه ۲۵ انفال، این روایات را از راویان گوناگون آورده است. وی در همانجا نقل می‌کند: «اصحاب، پس از پیامبر ﷺ به قهقری برگشتند» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۸۷-۸۶). امیر مؤمنان علی ۷ با اشاره به فتنه‌ها و ملاحم پس از رحلت رسول خدا ﷺ به صراحت فرموده‌اند:

و چون خدا فرستاده خود را نزد خویش برد، گروهی به گذشته برگشتند و با پیمودن راه‌های گوناگون به گمراهی رسیدند و به دوستانی که خود گزیدند پیوستند و از خویشاوند گسستند. از وسیلتی که به دوستی آن مأمور بودند، جدا افتادند و بنیان را از بن برافکندند و در جای دیگر بنا نهادند. معدن هرگونه گناهند و هر فتنه‌جو را درگاه و پناه. از این سو، بدان سو سرگردان، در غفلت و مستی به سنت فرعونیان یا از همه بریده و دل به دنیا بسته و یا پیوند خود را با دین گسسته و این همان چیزی است که باری تعالی نسبت به آن هشدار داده است: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران (۳): ۱۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).

روشن است در سیر قهقرایی و بازگشت به گذشته، ارزش‌های جاهلی و مادی جایگزین ارزش‌های الهی شدند و سنگ بنای این کار با دگرگونی حقیقت و معیارهای جانشینی پیامبر آغاز شد که با مخالفت با دستور خدا و رسول خدا انجام پذیرفت؛ چنانکه برخی از مفسران اهل سنت نیز یادآور شده‌اند، پی آمدهای ناگوار این فتنه تا به امروز دامنگیر جامعه اسلامی شده است که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد. از آنچه گذشت، به دست آمد که برخی کوشیده‌اند تا سبب نزول آیه ۲۵ سوره انفال را بر موارد خاصی چون اصحاب بدر و جمل و مانند اینها محدود نمایند. افزون بر بی‌پایه بودن آن، با کلیت آیه نیز هم‌سویی ندارد (طنطاوی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۷۷). در

آیه ۶۳ سوره نور نسبت به مخالفت با امر رسول خدا هشدار داده، گرفتاری به فتنه را پی آمد آن می داند: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُّونَ مِنْكُمْ لَوْ آذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور (۲۴): ۶۳)؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامشان را بگیرد یا عذابی دردناک به آنها برسد. «سید قطب» در تفسیر آیه می نویسد:

باید کسانی که به مخالفت با رسول برمی خیزند، برحذر باشند از فتنه‌ای که در آن، اندازه‌ها دگرگون شود، میزان‌ها و معیارها پریشان گردد، نظام جامعه در هم شکند و در نتیجه آن، حق و باطل به هم آمیزند و پاکی و پلیدی در هم فرو ریزند و کارهای انسان‌ها و زندگی آنان به تباهی کشد. پس هیچ کس بر جان خویش ایمن نباشد و بر حدود خویش واقف نگردد و در آن خیر و نیکویی از هم متمایز نشود و ... و این هنگامه‌ای دشوار برای همگان است (سید قطب، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۲۵۳۵).

پیامبر اکرم ﷺ با الهام از پروردگار و نزول آیاتی از این دست، نیک دریافته بود که به زودی فتنه‌ای میان مسلمانان سایه خواهد افکند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۸۸) و خاستگاه این فتنه از میان همین کسانی است که در اطراف او گرد آمده‌اند. از این رو، همواره آنان را از ورود در چنین فتنه‌ای برحذر می داشت و راهکارهای برون رفت از آن را یادآور می شد. بر این اساس، مقصود از فتنه در آیات شریفه، دگرگونی ارزش‌ها و معیارها در جامعه اسلامی از سوی شمار خاصی از اصحاب پیامبر است که پس از رحلت ایشان با انحراف در مسیر خلافت و غضب سکانداری اسلام از دست افراد شایسته و سپردن آن به افراد ناشایست، بدعتی را پایه گذاری کردند که در طول تاریخ اسلام، چنددستگی و پریشانی و اختلال در نظام دینی، سیاسی و اجتماعی را به ارمغان آورد. تأمل در روایات «کتاب الفتن» در «صحیح بخاری» به روشنی این حقیقت را اثبات می نماید. بر این اساس فرموده است: «بر امت خویش از ائمه گمراه کننده می ترسم» (حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۸). امام صادق ۷ می فرماید: «بعد از رحلت رسول

خدا فتنه‌ای مردم را فراگرفت و علی 7 را رها کرده و با غیر او بیعت کردند. این همان فتنه‌ای است که دچار شدند؛ در حالی که رسول خدا آنان را به پیروی از علی 7 و اوصیای وی فرمان داده بود» (عیاشی، بی تا، ج 2، ص 53). نتیجه این که نزاع بر سر حکومت با نافرمانی رسول خدا که یکپارچگی مسلمانان را هدف قرار داده و اختلاف و اضطراب و دودستگی را به همراه داشته باشد، در هر زمان و مکانی بارزترین معیار بازشناسی فتنه است.

پی آمدهای فتنه در جهان اسلام

پیش تر به بعضی پی آمدهای ناگوار فتنه اشاره شد که از آن میان، اختلاف و دودستگی مذهبی و سیاسی، عمده‌ترین پی آمدی است که سایر پی آمدها را به دنبال دارد. اجتماع سقیفه، آغازین تجمعی بود که شکاف در صفوف یکپارچه مسلمانان را سبب شده و با دگرگونی در ارزش‌ها، جامعه اسلامی را به سیر قهقرایی وادار ساخت. شماری از صحابه، پس از رحلت پیامبر 9 با گردآمدن در «سقیفه بنی ساعده» و انتخاب جانشین پیامبر به نافرمانی خدا و رسولش برخاستند و معیار گزینش خلیفه را از ملاک‌های آسمانی به ملاک‌های زمینی تنزل دادند. بی شک برای آرام‌نگه‌داشتن جامعه اسلامی و مطیع‌ساختن افراد، ناگزیر از جعل روایت در فضیلت‌تراشی برای اشخاص، عدالت عموم صحابه، توجیه خطاهای فاحش صحابه با قاعده تصویب (خطا و صواب در اجتهاد صحابه و مأجوربودن در هر دو صورت)، فرمانبرداری از حاکم عادل و فاسق و مهدورالدم‌بودن معترضان به حاکم فاسق، هدایت‌یافتگی با تاسی به هر یک از صحابه و ده‌ها نمونه از این بدعت‌ها نتیجه محتوم نافرمانی دستور خدا و رسولش در سقیفه بود که تا به امروز جامعه اسلامی از پی آمدهای آنها در امان نیست.

چنانکه شماری از صحابه و در رأس آنان علی بن ابی طالب 7 از بیعت با خلیفه منتخب در سقیفه خودداری کردند. خودداری این گروه از صحابه بزرگ پیامبر 9، نشان از نامشروع‌بودن چنین انتخابی دارد. به ویژه خشم و نارضایتی پاره تن رسول خدا 9 از «ابوبکر»، در حالی که تنها چند روز از رحلت پیامبر سپری نشده بود، تأکید

بیشتری بر مشروع نبودن خلافت اوست. بزرگان اهل سنت؛ مانند بخاری و مسلم نقل کرده‌اند رسول خدا ﷺ فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۱۲-۲۱۰ و ۲۱۹)؛ فاطمه پاره تن من است. هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است. در بعضی نقل‌ها دارد هر آنچه او را بیازارد مرا آزرده است و هر چه او را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است. بخاری در صحیح خود آورده است: «فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُوَفِّيَتْ» (همان، ج ۵، ص ۸۲)؛ فاطمه در حال خشم، ابوبکر را ترک نموده و بر او همچنان غضبناک ماند و با او حرف نزد تا وفات نمود. آیا این روایات نشان از ناخشنودی رسول خدا و خشم ایشان بر ابوبکر ندارد؟ آیا با این خشم و ناخشنودی، می‌توان گفت پیامبر به جانشینی چنین فردی رضایت می‌دهد؟ بی‌شک در طول تاریخ اسلام، بخشی از جامعه اسلامی به تاسی از امیر مؤمنان 7، حضرت زهرا 3، حدیث غدیر (حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۸۴؛ ج ۴، ص ۲۸۱، ۳۷۰ و ۳۷۲؛ ج ۵، ص ۳۶۶-۳۴۷)، حدیث ثقلین (مسلم، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۴۸؛ حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷-۱۴) و با اعتقاد به آسمانی بودن امر جانشینی رسول خدا، سقیفه را نافرمانی خدا و رسولش دانستند و برابر سفارش پیامبر، قرآن و عترت را معیار رستگاری دانستند. هم‌اکنون از این رو، بنیانگذاران سقیفه، اضطراب، اختلاف و دودستگی و چنددستگی را در جامعه اسلامی بنیان نهادند. فریاد «حسبنا کتاب الله» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۳۸-۱۳۷ و ج ۷، ص ۹؛ مسلم، بی‌تا، ج ۵، ص ۷۶)، جداسازی جامعه از عترت و محروم کردن مسلمانان از معدن علم و ناگزیر، فضیلت‌تراشی برای دیگران را سبب شد. روشن است زمانی که رفتار هر صحابی با استناد به حدیث نبوی حجت شرعی شود، هر رفتاری قابل توجیه بوده و معیار واحدی برای سنجش اعمال نخواهد بود؛ زیرا صحابه به لحاظ غیر معصوم بودن و تفاوت‌های فردی از رفتارهای گوناگون و گاهی متناقض برخوردارند. برخی سلوک زهد و شماری شیوه اشرافی‌گری را پیش گرفتند. عده‌ای در عدالت، مَثَل شدند و گروهی به سبب رفتارهای ناعادلانه، شورش عمومی جامعه را سبب شدند. برخی از عالمان و فقیهان سرشناس و نام‌آور، ناقل یک روایت هم نشدند.

این در حالی است که گروهی از مسلمانان بر پایه حدیث «ثقلین» و آیه «تطهیر» و مانند اینها به عصمت اهل بیت : باور داشته و آنان را هم‌سنگ قرآن پنداشتند. افزون بر آیات و روایات، سیره اهل بیت پیامبر ﷺ در طول تاریخ، دلیل روشنی بر جویندگان حقیقت است. هیچ رفتار متناقض و مخالف با کتاب و سنت نبوی از اهل بیت مشاهده یا گزارش نشده است.

راه‌کارهای برون‌رفت از فتنه

تحدیر مسلمانان از قرارگرفتن در تنگناهای فتنه و هشدارهای فراوان به پی‌آمدهای آن از سوی خدا و رسولش نشان از اهمیت چاره‌جویی برای برون‌رفت از فتنه دارد. از این‌رو، با تدبیر در آیات و روایات می‌توان به راهکارهایی در این خصوص دست یافت که در زیر به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. بازگشت به قرآن و عترت

رسول خدا ﷺ امت اسلامی را به هنگام رو آوردن فتنه‌ها به قرآن ارجاع می‌دهد. هرگاه کارها چون شب ظلمانی و تاریک برایتان مشتبه و تاریک گردید بر شما باد به قرآن؛ زیرا قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته و گواهی است که تصدیق شده است. هرکس که او را رهبر خویش گزیند او را به بهشت رهنمون سازد و هرکس بدان پشت پا زند او را به جهنم سوق دهد. قرآن روشن‌ترین راهنما به سوی بهترین راههاست... (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۹۸).

برابر این روایت، فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریک، مسلمانان را فرا می‌گیرد که در چنین حالتی تشخیص حق از باطل بسیار دشوار می‌نماید. قرآن بهترین چراغی است که در سایه روشن‌گری‌هایش ما را به ساحل امن و نجات، رهنمون می‌سازد. چنانکه اشاره شد، اساساً فتنه واژه‌ای قرآنی است و بازشناسی آن در سایه‌سار وحی دست‌یافتنی است. ریشه فتنه‌ها را باید در دوری مسلمانان از حقیقت قرآن جستجو کرد. بازگشت به قرآن به مفهوم بازگشت به اسلام حقیقی است که به سبب دوری از آن، فتنه‌ها مجال

بروز می‌یابند. قرآن منشور هدایت است و عترت رسول خدا تبیین‌کننده آن. به فرموده قرآن، رسالت رسول خدا ﷺ خارج‌نمودن مؤمنان شایسته‌کردار از تاریکی‌ها به سوی نور است: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (طلاق (۶۵): ۱۱)؛ رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد. تداوم این رسالت با عترت امکان‌پذیر بوده و جستن آن در غیر آنان گام‌نهادن در وادی هلاکت و نابودی است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرِينَ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا - كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عَتْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَغْتُ إِلَيْكُمْ سِتْرَدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلَ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۴)؛ همانا من در میان شما دو چیز بجا می‌گذارم، اگر آن دو را بگیری (تمسک کنید) هرگز گمراه نخواهید شد - کتاب خدای عزوجل و عترت من - ای مردم! گوش فرا دهید و من رساندم که قطعاً شما در حوض بر من وارد خواهید شد، آنگاه از آنچه درباره ثقلین انجام داده‌اید، از شما خواهم پرسید و مقصود از ثقلین، کتاب خدا و اهل بیت می‌باشد. از آنان پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آنان چیزی یاد ندهید که آنان از شما داناترند.

در روایات اهل سنت نیز در کنار سفارش به قرآن، سه بار توصیه به اهل بیت تکرار شده است (مسلم، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۳؛ حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۷). در نقل دیگری آمده است: عن النبي ﷺ قال:

«إِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعِيَ فَاجِيبُ إِيَّيْ تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبِلَ اللَّهُ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ أَنْ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُونِي بِمِ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا» (حنبل، ج ۳، ص ۱۷)؛ نزدیک است پروردگار مرا به سوی

خویش بخواند و من اجابت کنم. در میان شما دو چیز گرانبها بجا می‌گذارم که یکی از دیگری بزرگتر است. کتاب خدا که ریسمان خدای سبحان است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و عترتم که اهل بیت هستند. همانا پروردگار لطیف آگاه به من خبر داد، قطعاً آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند. بنگرید پس از من چگونه با آنان رفتار می‌کنید. بر پایه این روایت، رسول خدا برای پس از رحلت خویش، به قرآن و عترت که از هم جدایی ناپذیرند، سفارش و نسبت به چگونگی رفتار با آن دو هشدار می‌دهد. حدیث ثقلین از احادیث متواتر میان شیعه و سنی است که بی‌نیاز از بررسی سند می‌باشد (حلی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶ پاورقی ۲؛ قزوینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸). علی بن ابی طالب 7 رستگاری مسلمانان را در همراهی و پیروی از اهل بیت پیامبر 9 می‌داند:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت‌تان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که هلاک می‌شوید (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). در خطبه ۱۲۰، راههای دین را یکی دانسته که در نزد اهل بیت است. هر که آن را پیش گیرد به مقصد رسیده و کسی که در آن نرود گمراه شده و پشیمان می‌شود. امام باقر 7 می‌فرماید: «به شرق یا به غرب عالم بروید، هرگز علم صحیحی را پیدا نخواهید کرد، مگر آن چیزی را که از ناحیه ما اهل بیت خارج شده باشد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۹). برابر این روایات، روح جامعه اسلامی، قرآن و عترت است. جدایی‌انداختن میان این دو و جستن دانش از غیر این دو، ثمری جز هلاکت نخواهد داشت. جامعه اسلامی برای رهایی از تنگنای فتنه‌ها چاره‌ای جز بازگشت به این دو یادگار گرانسنگ رسول خدا و دریافت اسلام اصیل از این دو منبع الهی و آسمانی ندارد. قرائت اهل بیت از اسلام، قرائت یکسانی است که بی هیچ اختلافی روایتگر بیان رسول خدا است. این در حالی است که شماری از صحابه با طرح ایده «حسبنا کتاب الله» ضمن مخالفت با رسول خدا 9 بستر طرح قرائت‌های گوناگون از دین را پایه‌گذاری

کردند. از این رو، با طرح «اجتهاد صحابه» به ایده‌پردازی پرداختند تا واقعه سقیفه را توجیه نمایند. به روایت قرآن «أَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف(۱۲):۳۹). قطعاً قرائت‌های گوناگون، اختلاف و اضطراب در جامعه را دامن زده و هم‌بستگی و وحدت کلمه را از میان خواهد برد. روشن است درگیری و کشمکش، نتیجه محتوم چنین فضای آشفته‌ای خواهد بود؛ چنانکه واقعیت‌های تاریخی جهان اسلام گواه روشن این ادعاست. از سوی دیگر، ایده‌های پیش‌گفته بستر رویش گروه‌های فتنه‌گر است که از میان برداشتن آنها جز با طرد این ایده‌ها و بازگشت به قرآن و عترت امکان‌پذیر نخواهد بود. قرآن شریف، به شدت با سلطه کافران بر مؤمنان برخورد کرده و آن را نفی می‌کند: «وَلَكِنْ يَجْعَلُ اللّٰهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء(۴):۱۴۱)؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است. شریفه مذکور هرگونه سلطه کافران بر مؤمنان را؛ خواه در دنیا و خواه در آخرت نفی می‌کند؛ چنانکه فقهاء با استناد به همین آیه گفته‌اند خدای سبحان حکمی که زمینه تسلط کافر بر مؤمن را فراهم آورد، تشریح نکرده است (مغنیه، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۶۶؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۱۳۹). حال آن‌که فتنه‌ها زمینه سلطه کافران بر جامعه اسلامی را هموار می‌کند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران(۳):۱۳۹)؛ و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش‌آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. به فرموده آیه شریفه، ایمان سبب برتری بوده و صدرنشینی از نتایج محتوم آن است. به روایت قرآن، مسلمانان باید نیروی خویش را در برابر دشمنان قدرت ببخشند. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (انفال(۸):۶۰)؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد،

بترسانید و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

خدای سبحان از کشتار مسلمانان به بهانه‌های واهی که ریشه در دنیادوستی دارد، به شدت نهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۴). کشتن فردی که اظهار اسلام می‌کند یا به سبک مسلمانان سلام می‌کند جایز نمی‌باشد. چنین کشتاری بازگشت به دوران جاهلیت است که رسیدن به مال دنیا انگیزه جنگ‌های جاهلی بود. براساس آیه شریفه، جنگ‌هایی که امروزه شماری از افراد نادان با نقاب دین در جهان اسلام به راه انداخته‌اند جنگ جاهلیت است. بررسی سیره و سخن اهل بیت پیامبر : در برخورد با فتنه‌های اجتماعی، مجال فزون‌تری می‌طلبد که در اینجا به اجمال به آن اشاره می‌شود. بی‌شک سیره و سخن علی‌بن‌ابی‌طالب 7 به ویژه در دوران حکومت خویش که با انواع فتنه‌های اجتماعی روبه‌رو بود، بسیار راهگشا است؛ چنانکه دوران امامت اهل بیت از دوره‌های پر آشوب تاریخ اسلام است که شیوه برخورد ائمه اهل بیت : با این آشوب‌ها و فتنه‌ها و نوع تعامل‌شان با دستگاه خلافت، چراغ فروزان پویندگان حقیقت است. از آن میان، می‌توان به سیره امام صادق 7 که دوره بسیار ملتهبی را تجربه کرد، اشاره نمود که به رغم مورد توجه‌بودن از سوی بسیاری از مردم عصرش، بینش سیاسی و دورنگری عمیقی از خود نشان داد و چون می‌دانست که جریان حوادث در مسیر دیگر و بر خلاف مقاصد واقعی اسلام و [مسلمین] است، خود را از فتنه‌ها و آشوب‌های زمانه دور نگاه داشت و مشعل فروزان امامت و علم را از خاموشی در امان داشت (زریاب، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۵۹) و نتیجه‌اش خاموش ساختن فتنه‌های بزرگ‌تری بود که جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد. سایر ائمه اهل بیت نیز به رغم تصدیق‌نکردن مشروعیت دستگاه خلافت از همراهی با قیام‌های مسلحانه خودداری می‌کردند.

۲. اقتدار حاکم اسلامی یا حاکمیت

جامعه انسانی ناگزیر از پذیرش حکومت است؛ خواه حاکم دادگر باشد و خواه حاکم فاجر. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

برای مردم چاره‌ای جز داشتن امارت (حکومت) نیست؛ خواه امارت نیکو (امارت صالحان) و خواه امارت فاجر (فرمانروایی فاسقان) باشد. ... حکومت و فرمانروایی، بهتر از هرج و مرج است و در پاسخ از چیستی هرج و مرج، فرمودند: کشتار و دروغ است (متقی هندی، ۱۳۶۶ق، ح ۱۴۷۵۵).
در گفتار علوی نیز آمده است: «مردم را ناگزیر از امیر نیک یا فاجر است و برقراری امنیت راه‌ها و مبارزه با دشمن را از دلایل ناگزیری از حکومت فاجر دانسته است» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). چنانکه در روایتی تصریح می‌فرماید: «وال ظلوم غشوم» [خیر من فتنه تدوم] (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۵۹؛ آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۴، ح ۱۰۶۷۲)؛ فرمانروای ستمگر بهتر از فتنه همیشگی است. بر اساس این روایت، وجود والی؛ هرچند ظالم باشد، از فتنه‌ها جلوگیری می‌کند. نباید فراموش کرد که این گفتار شریف، به مفهوم رضایت به پذیرش ولایت ظالم نیست؛ چون امام در مقام بیان طبیعت حکم اسلامی نیست، بلکه در صدد بیان ضرورت حکم در برابر ادعای خوارج است (شمس‌الدین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۴). بی‌شک حاکم اسلامی هرچه اقتدار و شوکت داشته باشد و در میان امت از جایگاه والایی برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که مردم فرمانبردار او باشند، در برقراری امنیت، به‌ویژه در برخورد با فتنه‌ها توفیق بیشتری خواهد داشت؛ زیرا فتنه‌گران، گروهی از جامعه را با خود همراه ساخته و با درهم‌آمیختن حق با باطل، حقیقت را بر افکار عمومی مشتبه می‌سازند. در چنین فضای غبارآلودی، وجود حاکمی مقتدر و با درایت، بهتر می‌تواند کشتی طوفان‌زده امت را به ساحل نجات رساند. برخورد قاطع امیر مؤمنان در برابر خوارج، گواه روشن این ادعاست.

«أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنِّي فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِي جُتْرِيءٌ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غِيْبِيهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۳)؛ ای مردم! این من بودم که چشم فتنه را در آوردم و کسی جز من جرأت چنین کاری را نداشت. آنگاه

که امواج تاریک فتنه در همه جا گسترده و به آخرین درجه شدت رسیده بود.

از آنجا که فتنه‌گران در جامعه اسلامی با نقاب دین به فتنه‌گری و آشوب دامین می‌زنند، وجود رهبری الهی برای خشتی کردن توطئه آنان بسیار ضروری است. از این رو، در دیدگاه شیعه، پس از توحید، اعتقاد به ولایت از ارکان و اصول اعتقادات شمرده می‌شود. امام معصوم، عمود خیمه دین است. با وجود او، امت به گرد او جمع شده و اتحاد صفوف را سامان می‌دهند. در پرتو روشن‌گری‌هایش مدعیان دروغین، مجال جولان و در صورت ظهور و بروزشان در برابر اقتدار او، تاب مقاومت نخواهند داشت. در روایتی از امام رضا 7 به این حقیقت اشاره شده است که حضرت از دچار شدن مردم به فتنه‌ای شدید به سبب غیبت ولی عصر (عج)، خبر می‌دهد (سیدبن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۴). آشوب‌گران از خلأ ظهور ولی خدا مجال جلوه‌گری یافته و با مشتبّه‌ساختن امر بر عوام، ادعای خلافت می‌کنند. از آنجا که صراط مستقیم حق، یکی بیش نیست، در ولایت ولی خدا جز او کسی نمی‌تواند ادعای ولایت کند. ولی کثرت و تعدد راه باطل، زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم ساخته و در زمان واحد، افراد گوناگون به خیال خویش، پرچم توحید برافراشته و همگان را به خویشتن دعوت می‌کنند. تجربه حکومت‌های چندگانه در زمان واحد در طول تاریخ اسلام و به ویژه در عصر حاضر، گواه روشن این ادعاست. در عصر حاضر، گروهی به گرد «ایمن الظواهری» و گروهی دیگر به اطراف «ابوبکر بغدادی» و شماری به دنبال فرد دیگری، سودای تشکیل حکومت اسلامی و احیای خلافت را در سر می‌پرورانند. آیا صراط حق بیش از یکی است؟ کدامیک از اینان در ادعای خویش راستگو هستند؟ آیا جز این است که این ادعاها برخاسته از هوای نفس است؟ پاسخ این پرسش‌ها در رفتارهای این گروه‌های افراطی و خشونت‌گرا قابل‌بازیابی است. حاصل این که اگر امروز مسلمانان به گرد حاکمی مقتدر (امام معصوم یا فقیه جامع‌الشرایط که نیابت از امام دارد) جمع شوند و دست بیعت به او دهند، می‌توانند آتش فتنه‌ها را خاموش کنند. در عصری که دنیای غرب با درک اهمیت وحدت و یکپارچگی به دنبال ایجاد ایالات متحده و

اتحادیه اروپا و اتحادیه‌هایی از این دست می‌باشد، شایسته نیست دنیای اسلام به سوی تجزیه و پراکندگی که توطئه استعمار است پیش رود؟ یادآور می‌شود؛ هرچند امکان ایجاد کشوری واحد برای مسلمانان به لحاظ شرایطی که در دنیا حاکم است فراهم نیست، ولی امکان ایجاد اتحاد در میان کشورهای اسلامی با سپردن سکان‌داری حکومت به دست شایستگانی که در دامن فرهنگ اصیل قرآن و عترت - به دور از هرگونه قرائت خشن از دین - پرورش یافته‌اند؛ هرچند به ظاهر پیرو مکتب اهل بیت نباشند، وجود دارد که حتی‌المقدور نتیجه‌اش اقتدار حاکمیت جامعه اسلامی است.

بصیرت در فتنه‌ها

فتنه‌گران با نقاب دین‌داری ظهور کرده و با مشتبه‌ساختن حقیقت بر دین‌داران به آشوب در جامعه اسلامی می‌پردازند. امیر مؤمنان علی 7 در حدیثی به این حقیقت اشاره می‌فرماید: «انَّ الْفِتْنَةَ إِذَا أُقْبِلَتْ شَبِهَتْ»؛ زمانی که فتنه رو آورد [حقیقت] را مشتبه می‌سازد (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۵). از این رو، روشن‌بینی و بصیرت، کارآمدترین سلاح برای رویارویی با آنها و مانعی برای توسعه دامنه آتش‌افروزی‌های آنان خواهد بود. علی 7 که خود اسوه‌ای نیکو در مبارزه با فتنه است می‌فرماید: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَنَّ اللَّبُونَ لَمْ يَطْهَرُ فَيَرْكَبْ وَلَا ضَرَعٌ فَيَحْلَبْ» (نهج البلاغه، حکمت ۱)؛ در هنگام فتنه و آشوب، چون بچه شتر دوساله باش که نه بار کشد و نه شیر دهد. «ابن لبون» که معنای تحت اللفظی آن «پسر شیردهنده» است، بچه شتر نر دوساله یا بچه شتری که پا در سه سال گذاشته را گویند؛ به اعتبار این که مادرش بعد از آن، بچه دیگری زاییده و شیر می‌دهد؛ یعنی این قدر شده که مادرش بتواند زاییده باشد و شیر دهد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۰۷).

«ابن ابی‌الحدید»، فتنه را به جنگ و دشمنی میان دو رئیس گمراه که هر دو به گمراهی دعوت می‌کنند تفسیر کرده است. با این تفسیر از فتنه، مفهوم گفتار حضرت را به کناره‌گیری و ناشناخته ماندن و ضعیف‌بودن معنا کرده تا هیچ یک از طرفین فتنه از جان و مال او برای اجرای مقاصد خویش استفاده نکنند و او آنها را یاری نرساند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۸۳).

اما به نظر، فتنه در معنای پیش گفته محدود نبوده و دامنه آن پرشمول‌تر از مفهوم سیاسی و نزاع میان دو تن می‌باشد و مقصود روایت، دعوت به گوشه‌گیری و غفلت نیست. در این صورت، حضرت به همکاری نکردن با دعوت‌کنندگان به فتنه و یاری نکردن آنان در مقاصد شوم‌شان دستور می‌دهد (خویی، ۱۳۴۸، ج ۲۱، ص ۸). بر پایه این روایت، یاری نکردن و به تعبیری قرارنگرفتن در بازی فتنه‌گران از زمره راهکارهای برون‌رفت از فتنه خواهد بود. روشن است این مهم در سایه بصیرت دینی و روشن‌بینی اجتماعی حاصل خواهد شد. بازخوانی سیره و سخن ائمه اهل بیت : در سده‌های اول در برخورد با آسیب‌ها و آشوب‌هایی که در جامعه رخ می‌داد و نشان از بینش عمیق و درایت سیاسی ائمه دارد، بهترین اسوه برای جامعه آشوب‌زده امروز است (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۵۴).

روشن‌گری علما

رسول خدا ﷺ فرمود: «زمانی که بدعت‌ها پدید آمدند، عالم باید علم خویش را آشکار کند و هر کس این کار را نکند، پس لعنت خدا بر او باد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۹). به این همزادی فتنه‌ها و بدعت‌ها در کلام نورانی امیر مؤمنان علی ۷ اشاره شده است: «قد خاضوا بحار الفتن و اخذوا بالبدع دون السنن و توغلو الجهل...» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۸۷)؛ در دریا‌های فتنه‌ها فرو رفتند و بدعت‌ها را جایگزین سنت‌ها کرده و به سوی نادانی شتافتند.

بر اساس روایت، نباید از وظایفی که در دین به هنگام ظهور بدعت‌ها بر عهده علمای دین گذاشته شده است، غافل شد. بر کسی پوشیده نیست که روشن‌گری علما نقش بسیار برجسته‌ای در خنثی‌سازی توطئه‌ها دارد. اما با تأسف بی‌پایان، علمای وهابیت برخلاف این نقش خویش عمل نموده و خود بر دامنه این آتش‌افروزی‌ها می‌افزایند. آنان با قلبی آکنده از کینه نسبت به تشیع، از همه امکانات؛ همچون سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، تلویزیون، اینترنت و تریبون‌های نماز جمعه مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و سایر مساجد، بر طبل جنگ در سوریه و عراق کوبیدند و شکل‌گیری

فتنه‌ای بزرگ، چون داعش را سبب شدند؛ گروه فتنه‌گری که به هیچ اصلی از اصول اسلام پایبند نبوده و با قرائتی خشن از دین، به هر خشونت‌ی دست می‌زنند. خشونت‌ها و آشوب‌های این گروه فتنه‌گر به جایی رسید که امروز، وهابیت ضمن اعلام انزجار از داعش، از آنان به عنوان خوارج عصر یاد می‌کنند. رفتارهای این گروه، مستقیم یا غیر مستقیم به فتوای وهابیت مستند است؛ زیرا چنانکه اشاره شد، در ابتدا با پشتیبانی وهابیت شکل گرفت و سپس به فتوای کسانی که در دامن وهابیت و با اندیشه‌های سلفی‌گری آنان پرورش و جرأت فتوا را از آنان دریافت کرده بودند، به آشوب‌های خود ادامه داد. امروز برای خاموش ساختن آتش این فتنه که هر روز با بدعت‌های خود چهره‌ی زیبای اسلام را مخدوش و نام پرآوازه‌اش را بدنام می‌نمایند، چاره‌ای جز اتحاد جهان اسلام نیست و این مهم جز با کوشش علما میسر نمی‌باشد. ادعای خلافت با استناد به روایات نبوی و کشتن انسان‌های بی‌گناه و تحمیل دیدگاه شخصی خویش به دین، گوشه‌ای از بدعت‌های این گروه فتنه‌گر و گروه‌های مشابه آن است. بنابراین، بر علماست که با برملا ساختن بدعت‌های اینان از پیوستن مسلمانان ساده‌اندیش به گروه‌های فتنه‌گر جلوگیری نمایند و دامن اسلام را از رفتارهای آنان مبرا بدانند. واکاوی روایات پیامبر و اهل بیت طاهرین ایشان : در خصوص فتنه‌ها که در منابع روایی با عنوان «الملاحم و الفتن» گردآوری شده‌اند، بسیار راهگشا خواهد بود. روشن است این امر وظیفه‌ای بر دوش علماست. خطبه رسول خدا در حجة‌الوداع در منی، روشن‌ترین چشم‌انداز علما و فقهای اسلامی است تا بر اساس آن بر حرمت کشتار مسلمانان و غارت اموالشان فتوا دهند. حضرت در این خطبه فرمودند:

ای مردم! همانا خون و مال شما بر شما مردم تا روزی که خدا را ملاقات کنید حرام است؛ همچنانکه این ماه که شما در آن هستید از ماههای حرام است و مسلماً شما با خدای خود ملاقات می‌کنید و او از کرده‌های شما می‌پرسد و محققاً من به شما رسانیده‌ام (مسلم، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱).

در فتاوای فقهاء باید روشن شود برای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان جان و مال مسلمانان را غیر محترم شمرد؛ چنانکه هر اقدامی که امنیت جامعه را به مخاطره

می‌اندازد، باید بر اساس دستوری از دین که از سوی فقهای عادل وارسته تبیین می‌شود، انجام پذیرد (شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۵). در شرایط کنونی چاره‌ای جز استفاده از تمام ظرفیت‌های هنری، فرهنگی و تکنولوژی عصر حاضر؛ مانند سینما، تلویزیون، رسانه‌های جمعی، روزنامه‌ها و مجلات و ... نیست. باید از این ابزارها به صورت هوشمندانه و بجا، برای رویارویی با اندیشه‌های فتنه‌جویانه استفاده شود.

۵. شناسایی ظرفیت‌های جهان اسلام برای رویارویی با فتنه

گاه فتنه‌ها و آشوب‌های اجتماعی چنان با سرعت و شتاب در جامعه می‌تازند و فراگیر می‌شوند که مجال اندیشه رویارویی فیزیکی، به منظور منع از گسترش دامنه آتش‌افروزی‌های آن برای مهار فتنه را از جامعه اسلامی باز می‌ستانند. منع از گسترش فتنه قابل انکار نیست، اما نباید فراموش کرد که در چنین فضایی پیشنهاد قرآن، نه تهدید به جنگ و کشتار که تلاش برای ایجاد صلح و ثبات در جامعه اسلامی است (حجرات (۴۹): ۱۰-۹). برای مهار فتنه باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جامعه اسلامی، محور وحدت تشکیل داد. بسیاری از گروه‌ها و دانشمندان و اندیشمندان مسلمان با فتنه‌های پیش آمده در دنیای اسلام موافق نیستند. درگیری گروه‌های اهل سنت با فتنه‌گران در عراق و سوریه و سایر کشورهای اسلامی، گواه روشنی بر این ادعاست. لکن این گروه‌ها از نبود محور وحدت میان خود رنج می‌برند. از این رو، شایسته است گروه‌های صلح‌دوست، از میان اندیشه‌وران مسلمان، رنج سفر را بر خویش رواداشته و در جای جای جهان اسلام به شناسایی این پتانسیل بپردازند و هرچه زودتر با تشکیل محور وحدت در برابر فتنه، به مهار آن دست بزنند. جای بسی تأسف خواهد بود، دینی که پیروان ادیان دیگر را به گرد محور وحدت فرا می‌خواند، پیروانش توان گردآمدن بر این محور را نداشته باشند. لذا راه حل‌های سیاسی و دیپلماتیک با محوریت سران کشورهای اسلامی و قدرت‌های جهانی به هیچ روی قرین توفیق نخواهد بود؛ زیرا ایجاد فتنه و آشوب از برنامه‌ها و توطئه‌های برخی از آنان در جوامع اسلامی است، چگونه آنان می‌توانند در برون‌رفت از این فتنه‌ها نقش مؤثر ایفاء

کنند؟! بنابراین، باید با عبرت از تجربه‌های تاریخی، با مذاکره با علما، اندیشمندان، رؤسای عشایر و سازمان‌های مردم‌نهاد در جهان اسلام، محور وحدت تشکیل داد تا با قدرت برتر، به رویارویی با فتنه پرداخت.^۵ بی‌شک جنگ و کشتار، راهکار مناسبی برای برون‌رفت از فتنه‌ها نبوده و امکان استفاده از راهکارهای مسالمت‌آمیز را نیز با دشواری روبه‌رو می‌سازد. بنابراین، شایسته است با شناسایی ظرفیت‌های پیش‌گفته که ریشه در سیره و سخن رسول خدا و اهل بیت طاهرین ایشان : دارد، به مقابله با فتنه‌ها برخاست.

۶. آگاهی صحیح از اعتقادات و فرهنگ مسلمانان

امیر مؤمنان علی 7 می‌فرماید: «الناس أعداء ما جهلوا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۴)؛ مردم دشمنند آنچه را ندانند. تاریکی جهل، بستر دشمنی‌ها و خوف و وحشت است؛ چنانکه کودکان و افراد ضعیف‌العقل از تاریکی شب هراس داشته و همه چیز را در وهم خویش دشمن می‌پندارند. افراد جاهل نیز در فضای ظلمانی جهل، نسبت به آنچه جهل دارند هراس داشته و دشمنی‌ها را شکل می‌دهند. هرچه شناخت ما از طرف مقابل کمتر باشد، دشمنی عمیق‌تر می‌شود و شرایط، برای فتنه‌انگیزی و سوء تفاهم و سوء ظن و موفقیت فتنه‌گران و وسوسه‌انگیزان فراهم‌تر می‌شود. گاه دشمنان سودجو و دوستان ناآگاه نیز از این فرصت بهره فراوان برده و آتش این دشمنی را فزون‌تر می‌کنند. از این‌رو، بسی ضروری است تا در مراکز و حوزه‌های علمی مسلمانان، اعتقادات و مبانی فکری همه مذاهب اسلامی و ویژگی‌های قومیتی و فرهنگ عمومی مسلمانان در همه جای دنیای اسلام آموزش داده شود. اندیشمندان دنیای امروز، با هوشیاری تمام، پیام این روایت را دریافت کرده و با گسترش دانش و فرزاندگی، به دنبال زدودن جهل و پی‌آمدهای ناگوار آن باشند. در سایه‌سار نور علم، بسیاری از ابهام‌ها برطرف شده و حق از باطل برای جویندگان آن روشن می‌شود. در دنیایی که سخن از گفت‌وگوی تمدن‌ها به یک گفتمان غالب محافل علمی بدل شده است، چرا نباید از گفت‌وگو میان پیروان دینی که خود مبتکر این ایده است بهره برد؟

نتیجه‌گیری

از آنچه شرحش گذشت، به دست می‌آید که فتنه در فرهنگ قرآنی و روایی، به معنای اضطراب، اختلاف و دودستگی، شبهه‌افکنی، دگرگونی و کشتار است. از این رو، خدای سبحان در آیاتی از قرآن، مسلمانان را از افتادن در چنین فتنه‌ای و پی‌آمدهای آن تحذیر می‌دهد. رسول خدا از مسیر وحی دریافتی بود که ریشه‌های فتنه از هم‌اکنون شکل گرفته است و در آینده‌ای بسیار نزدیک، اضطراب، آشفتگی و دگرگونی در ارزش‌ها و بازگشت به جاهلیت را سبب خواهد شد. به همین دلیل، همواره به ریشه‌های این فتنه توجه داده و حقیقت آن را بازگو می‌نمود. با بازخوانی آیات و روایات، در می‌یابیم حقیقت فتنه به نافرمانی خدا و رسولش در مسأله جانمایی رسول خدا برمی‌گردد و ریشه فتنه را باید در حوادث پس از رحلت رسول خدا جست که با دگرگونی در ارزش‌ها، جامعه اسلامی را به قهقرا بردند. فتنه‌های امروز جامعه اسلامی نیز ریشه در همان حوادث دارد. بنابراین، بر پایه روایات رسول خدا و اهل بیت^{علیهم‌السلام}، راهکار رهایی از فتنه را باید در بازگشت به قرآن و عترت که روح جامعه اسلامی است، جستجو کرد. اقتدار حاکمیت - که الهی بودن حاکم، شرط اساسی آن می‌باشد -، روشن‌گری علما، آگاهی از اعتقادات و فرهنگ سایر مسلمانان، شناسایی ظرفیت‌های جهان اسلام از جمله راهکارهای رویارویی و رهایی از تنگنای فتنه‌های اجتماعی است. توجه به ریشه‌های فتنه و بازگویی حقیقت آن با ژرف‌نگری در آیات و روایات و روشن‌ساختن زوایای فراموش‌شده در آیات و روایات؛ به ویژه روایات نقل‌شده از سوی اهل سنت و توجه‌دادن دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام به آن و دست‌یابی به راهکارهای برون‌رفت از فتنه‌های اجتماعی که دامن‌گیر جامعه اسلامی است، از وجوه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های مشابه است.

با توجه به اهمیت موضوع و نقش فتنه در فروکاستن توان و شوکت مسلمین، پیشنهاد می‌شود علمای فریقین در حوزه‌های علمیه، موضوع فتنه در آیات و روایات را مورد بررسی دقیق قرار داده و بدون جهت‌گیری مذهبی و قومیتی، نتیجه آن را در اختیار جامعه اسلامی قرار دهند. با برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و

مراکز علمی و همایش‌ها و کنفرانس‌ها در گستره ملی و بین‌المللی، انجام پروژه‌های تحقیقی در پژوهشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، ساختن برنامه‌های تلویزیونی در سطح شبکه‌های محلی، ملی و ماهواره‌ای و استفاده از پتانسیل موجود در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و حتی ارسال پیامک‌های تلفن همراه، به آگاهی‌بخشی افکار عمومی پرداخته شود. از همه مهمتر، پیشنهاد می‌شود مراکز علمی دینی و علمای شیعه و سنی از تبادل دانش و اندیشه، دور نمانده و موانع وحدت را روز به روز از میان بردارند.

یادداشت‌ها

۱. چنانکه رخدادهای تاریخ اسلام و به ویژه فتنه‌های عصر حاضر، گواه روشن این ادعاست.
۲. برای نمونه، اشاره به بعضی از راهکارهایی که از نگاه پژوهشگران مغفول مانده است؛ همانند بهره‌جستن از ظرفیت‌های جامعه اسلامی به منظور برون‌رفت از تنگنای فتنه، نگاه ویژه این پژوهش است.
۳. برای توضیح بیشتر به کتاب، فتنه / از نگاه قرآن و حدیث، نوشته علی‌اصغر یساقی مراجعه شود.
۴. «...حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ۙ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ وَ غَالَتِهِمُ السَّبِيلُ وَ اتَّكَلُوا عَلَى الْوَلَائِحِ وَ وَصَلُوا غَيْرَ الرَّحْمِ وَ هَجَرُوا السَّبَبَ الَّذِي أَمَرُوا بِمُودَتِهِ وَ نَقَلُوا الْبِنَاءَ عَنْ رِصِّ أَسَاسِهِ فَبِنُوهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ مَعَادِنَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ أَبْوَابَ كُلِّ ضَارِبٍ فِي غَمْرَةٍ قَدْ مَارُوا فِي الْحِيرَةِ وَ ذَهَلُوا فِي السَّنَكْرَةِ عَلَى سَنَةِ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ مِنْ مَنْقَطِعٍ إِلَى الدُّنْيَا رَاكِنٌ أَوْ مَفَارِقٍ لِلدِّينِ مَبَايِنٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).
۵. ایجاد سازمان تقریب مذاهب اسلامی از سوی آیه‌الله بروجردی و استقبال رئیس‌الازهر مصر و برخی از دانشمندان اهل سنت از آن و کوشش‌های بی‌دریغ امام موسی صدر در ایجاد یکپارچگی در میان پیروان ادیان و مذاهب در لبنان، نمونه روشن این ادعا هستند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقابخشی، علی‌اکبر و افشاری‌راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۶.
۴. آلوسی، محمود، روح المعانی، به کوشش عبدالباری، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۵. آمدی، عبدالواحد، **تصنيف غرر الحكم و درر الكلم**، به كوشش مصطفى درایتی، قم: بوستان كتاب، ۱۳۶۶.
۶. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، **تفسير ابن ابی حاتم**، به كوشش اسعد محمد، ج ۵، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق.
۷. ابن ابی شیبہ، ابوبكر عبدالله بن محمد، **المصنف**، به كوشش سعيد محمد، ج ۸، بیروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۸. ابن عاشور، محمد بن محمد طاهر، **التحرير و التنوير**، ج ۹، بیروت: مؤسسة التاريخ، بی تا.
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی الانصاری، **لسان العرب**، ج ۱۳، قم: ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۱۰. ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغة**، ج ۱۸، قم: كتابخانه آية الله مرعشی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۱۱. ابوزهره، محمد، **زهرة التفاسیر**، ج ۶، بیروت: دارالفكر، بی تا.
۱۲. بخاری، **صحيح بخاری**، ج ۷، ۵، ۴، ۸، بیروت: دارالفكر، ۱۴۰۱ق.
۱۳. بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، **تفسير بیضاوی (انوار التنزيل)**، به كوشش مرعشلی، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. حاكم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک**، به كوشش مرعشلی، ج ۳، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
۱۵. حجازی، محمد محمود، **التفسير الواضح**، ج ۱، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۳ق.
۱۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، **تفسير اثني عشری**، ج ۲، تهران: میقات، ۱۳۶۳.
۱۷. حلّی، محمد بن مطهر، **نهج الحق و كشف الصدق**، ترجمه علیرضا كهنسال، تهران: تاسوعا، ۱۳۷۹.
۱۸. حنبل، احمد بن محمد، **مسند احمد**، ج ۱، ۳، ۴، ۵، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۹. خوانساری، محمد بن حسین، **شرح غرر الحكم و درر الكلم**، به كوشش جلال الدین ارموی محدث، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران، ج ۴، ۱۳۶۶.
۲۰. خویی، میرزا حبیب الله، **منهاج البراعة (شرح نهج البلاغه)**، ج ۲۱، تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۴۸.
۲۱. زحیلی، وهبه، **التفسير المنیر**، ج ۹، بیروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۱ق.
۲۲. زریاب، عباس، «امام صادق ۷»، **دائرة المعارف تشیع**، ج ۲، تهران: نشر سعید، ۱۳۷۵.

۲۳. سیدبن طاووس، سیدرضی‌الدین علی‌بن موسی‌بن جعفر بن طاووس، **الملاحم و الفتن**، اصفهان: صاحب الامر، ۱۴۱۶ق.
۲۴. سیدقطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۴، القاهرة: دار الشروق، ۱۴۰۰ق.
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین، **الدر المنثور**، ج ۳، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۶۵ق.
۲۶. شمس‌الدین، محمد مهدی، **دراسات فی نهج البلاغه**، بی‌جا: دار الاسلامیه، ۱۳۶۰.
۲۷. شیبانی، عمر بن ابی‌عاصم، **کتاب السنة**، به کوشش محمدالبانی، بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، **المیزان**، ج ۹، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۳ق.
۲۹. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، **مجمع البیان**، ج ۴، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان**، ج ۶، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۱. طنطاوی، محمد، **التفسیر الوسیط**، ج ۶، قاهره: دارالمعارف، ۱۴۱۲ق.
۳۲. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، **القواعد و الفوائد**، تحقیق السیدعبدالهادی‌الحکیم، ج ۲، قم: منشورات مکتبه المفید، بی‌تا.
۳۳. عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، به کوشش رسولی محلاتی، ج ۲، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا.
۳۴. فراهیدی، احمد بن خلیل، **العیین**، به کوشش المنزومی و السامرائی، ج ۸، بی‌جا: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۳۵. قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری، **تفسیر قرطبی**، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۶. قزوینی، ملاخلیل، **صافی در شرح کافی**، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۷.
۳۷. قمی، عباس، **سفینه البحار**، ج ۷، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، به کوشش علی‌اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۳۹. کاشانی، ملافتح‌الله، **منهج الصادقین**، ج ۳، تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.
۴۰. متقی‌هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، **کنز العمال**، به کوشش السقاء، ج ۱، بیروت: الرساله، ۱۴۱۳ق.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۷۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴۲. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، ج ۹، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴۳. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، به کوشش داغر، ج ۳، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۴۴. مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ۴، ۵، ۷ و ۸، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۶. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، ج ۲، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۱م.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المؤمنین ۷، تهران: دارالکتاب العلمیه، ۱۳۸۱.
۴۸. هیثمی، احمد بن حجر، مجمع الزوائد، ج ۷، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۲ق.